بسم الله الرحمن الرحیم

به نظرم رسید قبل از آغاز بحث اصلی، امشب را اختصاص دهیم به این که درباره ی مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام - که مجلس فکر است - گفتگو کنیم یا به برخی از امور که برایمان عادی شده است توجه کنیم، یا به برخی از اموری که در میان این ازدحام های برنامه ها فراموش شده است را توجه کنیم. اولاً در فضای امروز، ما عزاداری برای امام علیه السلام را به هیچ وجه نباید یک رسم شیعی تلقی کنیم و هر کجا چنین عباراتی به کار رفت شما باید روشنگری کنید و اندیشه های همه ی مسلمان ها را نسبت به این سنت برجسته - عزاداری نسبت به شهدا و به خصوص امام علیه السلام - جلب کنیم. امام علیه السلام عاشورا را به عنوان یک حماسه ی شیعی برگزار نکرد. یزید بیش تر از این که دشمن شیعه باشد دشمن سنی بود و بیش تر از اهل تسنن را به قتل رساند. من نمی دانم شما چه تعریفی از شیعه دارید. اگر می گویید شیعه کسی است که به اهل بیت علیهم السلام ایمان دارد پس چرا یزید رفت در حره آن واقعه را راه انداخت و در میان اهل سنت آن قتل عام را به راه انداخت؟ آن ها کسانی بودندکه حتی حاضر نبودند که امام حسین علیه السلام را یاری کنند. و اگر امام علیه السلام مقابل یزید قیام کرد به این دلیل بود که ماهیت یزید این بود که می گفت که بنی هاشم با پادشاهی بازی کردند و اصلا وحیی نازل نشد. هیچ اهل بصیرتی نمی تواند چنین نظری را از کسی بپذیرد. اگر مأموران با واسطه ی او در کربلا امام حسین را به شهادت رساندند مأموران بی واسطه ی یزید در مدینه رفتارهای جنایت کارانه تری نسبت به کربلا انجام دادند. امام علیه السلام خودش را فدای اسلام کرد. از آن طرف در میان یاران امام علیه السلام می بینیم کسانی هستند که شیعه ی اصطلاحی نبوده اند؛ مانند وهب، زهیر، حر و ... این ها اصلا به شیعه گری به معنای امروزی عقیده نداشتند. نه ما حق داریم امام حسین علیه السلام را برای خودمان بدانیم و بس و نه اهل سنت حق دارند امام حسین علیه السلام را فراموش کنند. در یک فضای توأم با اخوت اسلامی باید برای امام علیه السلام عزاداری کرد. شافعی - فقیه یکی از مذاهب اهل سنت - کسی بود که خیلی پرشکوه تر از ما برای امام گریه می کرد. این دست استکبار است که نقاط ضعف جامعه ی اسلامی را پیدا کرده اند و آن را برجسته می کنند. همین الان در بسیاری از نقاط اهل سنت ایران و خارج از ایران رسم است که برای امام علیه السلام عزاداری می کنند. یک کلام در کلمات امام علیه السلام پیدا نمی کنیم که به حقایق یا اعتقادات خاص شیعی بخواهند اشاره کنند. مکرر می فرمودند که من فرزند دختر پیغمبر شما هستم یا نه؟ یک بار نفرمودند که من امام سوم شما هستم. اگر این حماسه ی بزرگ اسلام را برای غیر مسلمان ها هم ارائه کنیم آن را خواهند پذیرفت. این عزاداری را شما باید به آن جلای تازه ای دهید. حالا برویم سراغ برخی از دشمنان امام در میدان جنگ: برخی بودند که در جنگ همراه امام علی جهاد کردند. امام علیه السلام از کسانی طلب یاری می کردند که اصلا مقامی که ما برای امام قائل هستیم را قبول نداشتند. مقاتلی که برای امام نوشتند بعضا از سوی کسانی نوشته شده است که ما آن ها را امروزه قبول نداریم؛ یعنی در آن زمان همه می خواسته اند خودشان را به امام نزدیک کنند. بخشی از فعالیت ها و عزاداری های خودمان برای امام را به گسترده کردن فکر و فرهنگ عزاداری در میان همه ی مسلمانان اختصاص دهیم. به چنین مجالسی که از سوی غیر شیعیان برگزار می شود کمک کنیم که ثوابش بیش تر از کمک به مجالسی است که از سوی شیعیان برگزار می شود. به علاوه می بینیم که این سنت پیامبر بود که برای شیعیان و امام حسین (ع) گریه کند. برای مثال وقتی پیامبر شهادت حمزه را دیدند شروع کردند به زجه زدن (این عبارت از نرم افزار نور استخراج شود: باکیا أشد من بکائه علی حمزه. التهب به الغشی ...) در دیگر کتب آمده است که پیامبر از کنار خانه هایی رد می شدند که می دیدند دارند برای شهدای خودشان گریه می کنند. پیامبر می فرمودند که عموی من گریه کن ندارد. تا مدت ها بعد رسم بود که اگر کسی از دنیا می رفت بانوان ابتدا برای حمزه سید الشهدا گریه می کردند و بعد برای اموات خودشان. پس عزاداری یک مسئله ی مرسومی بوده است و سنت بوده است. در کتاب الإستیلاب - از منابع اهل سنت - آمده که وقتی خبر شهادت جعفر به پیامبر (ص) رسید رسول خدا (ص) رفتند خانه ی جعفر و فرزندان او را می بوسیدند. در آن زمان اسماء شروع کردند به گریه کردن. در این میان حضرت زهرا (س) وارد شدند و صدا زدند «وا اُماه». پیامبر فرمودند باید بر مثل جعفر گریه کن ها گریه کنند. این ها چیزی نیست که منابع شیعی نقل کرده باشند. همین «عموجان عموجان» هایی که ما در عزاداری ها می گوییم سنت هایی بوده است که در پیامبر (ص) وجود داشته است. پس باید عزاداری امام حسین علیه السلام را توسعه داد. نباید پذیرفت که عزاداری مختص شیعیان است. حالا اگر بخواهیم برون دینی نگاه کنیم و از نظر ریشه های مختلف دینی مانند علوم سیاسی و روان شناسی و علوم تربیتی بخواهیم این عزاداری ها را بررسی کنیم: اجازه دهید یک جمله از امام عرض کنم و ببینید که چقدر جای کار دارد: اگر بعد سیاسی این ها [عزاداریها] را این ها [روشنفکران غرب زده] بفهمند، همان غرب زده ها هم مجلس به پا می کنند و عزاداری به پا می کنند، چنان چه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند. یعنی امام عزاداری را یک مسئله ای می دانند که به سیاست کمک می کند. از نظر روان شناسی هم این انرژی مثبتی که این افراد در عزاداری ها در کنار هم به هم دیگر منتقل می کنند. وقتی در سال های پیش برخی روان شناسان را از کشورهای دیگر به ایران دعوت کرده بودند و بعدا به حرم امام رضا علیه السلام برده بودند از حرم بیرون نمی آمدند! امام در جایی دیگر فرمودند: بیهوده که اهل بیت به خاطر یک قطره اشک آن همه اجر را نمی گذارند، حتما یک اثری دارد. این مباحث با علوم تجربی هم قابل بحث است. من اصلا به این حماسه ی عاشورا می گویم فرهنگ و نمی خواهم آن را در دین معنا کنم. غفلت از ابعاد دنیایی و آثار روحی و روانی که در این دنیا برای ما دارد، چیزی جز رذالت و خباثت برای ما ندارد. از یک دانشگاه خارجی گفته بودند که تمام جزیئات کارهایی که شیعیان در این یک دهه انجام می دهند را برای ما بیاورید. منظور امام (ره) از آن حرف چیست؟ درک عظمت این عزاداری ها که دین و ایمان نمی خواهد. امام به دسته های عزاداری تأکید زیادی می کنند و می گویند که این ها به نفع خودمان است و امام حسین علیه السلام که به آن ها نیازی ندارند. حالا از این دو بحث بگذریم. إن شاءالله که عزاداری برای امام را بتوانیم در تمام مکاتب رونق ببخشیم.

به بعد معنوی و اخلاقی می رسیم. دوستان محرم شروع شد. شما با چه عزمی وارد محرم شدید؟ آیا می دانید گاهی اوقات کارآیی این دهه می تواند در رشد معنوی شما بیش تر از ماه رمضان اثر داشته باشد؟ این کلام آقای قاضی (؟) است که «اگر کسی بخواهد به مقام توحید برسید إلا و لابد راهی جز سیدالشهدا أباعبدالله الحسین ندارد». ما هر چه ضعف اخلاقی داریم معلوم می شود که این دهه را درست برگزار نکرده ایم. جوان عزیز چرا در این دهه کم گذاشتی؟ سیدالشهدا علیه السلام که برای کسی کم نمی گذارد. اصلا احدی جز از طریق امام علیه السلام به جایی نرسیده است. فقط عرق خورها نبوده اند که در این مجالس متحول شده اند. ما نباید بعد از محرم و عاشورا دیگر مشکلی داشته باشیم. به امام حسین علیه السلام بگوییم که ای امام! من اگر از این محرم و لباس سیاه بیرون بروم و آدم نشده باشم دیگر کسی به من نگاه نخواهد کرد. با این نگاه به مجلس امام علیه السلام نگاه کنیم نه با این نگاه که لطف کنیم و برویم برای امام گریه کنیم و به اصطلاح بخواهیم به امام کمک کنیم.

شاید بتوانیم بگوییم که اولین جایی که عزاداری برای امام همراه با غذا برگزار شده است از جانب امام سجاد علیه السلام بوده است. خانم ها در سرما و گرما عزاداری می کردند و غذا تهیه می کردند. خواهش می کنم که به عزاداری باز هم تأمل کنید. بعید می دانم که عزاداری ای که ما الان در تهران داریم مورد تأیید خود شماها باشد. از بس که بی احترامی شده است. از بس که کار نشده است. توجه به عزاداری امام و شخصیت امام حسین علیه السلام یک امر بسیار معقول است.

من از همین می خواهم استفاده کنم و یک نکته ی دیگری را به تفصیل بیان کنم و آن هم در مورد شخصیت حضرت آیت الله مهدوی کنی است که هر سال شب اول را در کنار ما در این مجلس بودند. این را هم باز برای تأمل شما می گویم و مانند مباحث قبل صرفا به عنوان سرفصل می گویم. در این دانشگاه رشته ی مدیریت است. مدیریت رشته ی مهمی است. اولین مدیر نهادی که مادر بقیه ی نهادهاست را چه کسی مدیریت کرد به جز آقای مهدوی؟ جریان کمیته ها نشان داد که قدرت مدیریت در هیچ یک از افراد هسته ی شورای انقلاب به جز ایشان نبود، آن هم مدیریت موفق. شخصیتی مثل ایشان را مطالعه کنید. این مدیریت اول انقلاب چگونه شکل گرفت؟ چگونه با همین کمیته ها کشور را از فتنه ها نجات دادند؟ به خصوص که در آن زمان همه ی کارهای کشور در این کمیته ها انجام می شد. چرا همه این کار را به ایشان سپردند؟ ایشان به تنهایی در سه سال این کار را انجام دادند. من معتقدم که خداوند به امام چیزهایی برای انقلاب داد که یکی از این ها شخصیت ایشان است. در آن زمان در خیابان های تهران مثل آب خوردن آدم می کشتند. کارهایی که داعشی ها در بیابان انجام می دهند آن زمان در خیابان های تهران انجام می دادند. سر بریدنهایی که در خیبابان های تهران اتفاق می افتاد. بعد می بینیم که یک روحانی چنین شرایطی را اداره می کنند. امام در مورد ایشان می فرمایند که فتواهای ایشان به فتواهای ما نزدیک است. امام تولیت مدرسه ی مروی را - که در وقف نامه ی آن آمده است باید به کسی سپرده شود که اعلم علمای شهر است - به ایشان واگذار می کنند. ایشان آخرین عالمی بودند که از زندان های ساواک آزاد شدند. آیا ایشان اعجوبه ی انقلاب ما نبودند؟ من این ها را به خاطر تولید دانش دارم عرض می کنم و نه به خاطر تعریف از ایشان در مجلس ختم. می خواهم که منش ایشان فهم شود. ایشان از ابتدا با حزب مخالف بودند ولی خب همراهی کردند. بعدها که حزب جمهوری اسلامی منحل شد به حرف ایشان پی بردند. ایشان شخصیتی هستند که مخالفان ایشان هم می گویند تحت تأثیر کسی قرار نمی گرفتند. چون خبرها را روی هوا قبول نمی کردند. در طول این انقلاب با همه ی شایستگی های ایشان هیچ کس به اندازه ی ایشان مظلوم واقع نشد. شهید بهشتی هم با شهادتشان از مظلومیت در آمدند. اصلا نمی شود ابعاد مظلومیت ایشان را بیان کرد. من جزو جوان های 17، 18 ساله ی بعد از انقلاب بودم. در آن زمان طوری به ما حالی می کردند که اصلا طرف آقای مهدوی نروید چرا که ایشان طرفدار اسلام آمریکایی است. حزب اللهی ها این حرف ها را می زدند! وقتی شکنجه می شدند ما تعجب می کردیم که مگر ایشان مبارزه را هم قبول دارد. اصلی ترین کانون های توزیع پوستر انقلابی عکس ایشان را حذف می کردند. این شخصیت باید شناخته شود. امام بیهوده نمی فرمایند که ما ارادت داشته ایم و داریم و خواهیم داشت به ایشان. آماده بودن برای شرایط خاص از ویژگی هایی ایشان بود و کسی را مثل ایشان نمی شناسیم. یک روزنامه به دنبال خودشان راه نینداختند. منش سیاسی ایشان خیلی قابل مطالعه است. من قبلا گفته بودم که همه ی امتیازاتی که این دانشگاه دارد به کنار، و این امتیازی که شخصیت ایشان بالای سر این دانشگاه است به کنار. این دانشگاه تنها یکی از تراوشات روح بلند ایشان است. در غربت و مظلومیت و تنهایی مثل ایشان نداریم. درایت ایشان در فضای سیاسی و در فضای علم و دانش در یک نفر در این حد قابل جمع نیست. من خواهش می کنم که ایشان را بشناسید و بشناسانید. شخصیت ایشان سند ما و کتاب ما برای آینده ی ما است. اگر باب دیدار ایشان بسته است کاری کنید که باب اندیشیدن درباره ی ایشان باز باشد. ببینیم که آخوند مردمی و سیاسی بودن یعنی چی؟ باید این ها را نوشت و از این ها الگو گرفت. امیدرواریم که ما مورد شفاعت این عالم متواضع و بی ادعا ولی پرمایه و پرفهم قرار گیریم. نگذارید شخص نازنین ایشان که از بین ما رفت است شخصیتشان هم از میان برود. یک جهان حرف برای راهنمایی آینده ی ما در شخصیت ایشان است. اگر ما وجود علمی و معنوی ایشان را حفظ کنیم انقلاب ما بیمه است.